



نگاهی به اثرنمایشی بند ۶

هوشیار باشید، اینجا خبری از سندلی برای نشستن نیست


 ونوس بهنود
 روزنامه نگار


شکجه همه جا شکجه است. وقتی از مخاطب خواسته می شود دو نفری که خود را پنهان کرده اند را بیابد و وقتی خواسته می شود ردالت یک شکجه گریا به تماشا بنشیند، برق ترس در قلبش می دود. خونش منجمد می شود و دست هایش سست می شود. به تماشاگر گفته اند بالباس گرم در نمایش حضور یابد و به او گفته اند اگر بیماری قلبی دارد به کل مشارکت نکند. در مقابل حال و هوای وحشت زای این اثر، کارگردان بند ۶ معتقد است اثر تو ترسناک نیست و داستانی که در دل این فضای مخوف تاریخی است اساساً داستان غم انگیز با فضای وحشت افزایی است و تلاش شده فضای وحشت افزا برای مخاطب تلطیف شود

در راهروهای یک زندان، ترسی بردل یک تماشاگر نشسته است. گفته اند چشم هایت را ببند تا واقعیتی را برایت بازی کنیم. نمایش بند ۶ یکی از نمونه های نمایش های کاربردی است که این روزها به عنوان سبک جدیدی از نمایش برای طرح واقعیت ها، حل مشکلات جوامع و تربیت شهروندان مورد استفاده قرار می گیرد. اما این نمایش در زندان دیروز و موزه امروز یعنی موزه عبرت ایران به اجرا در می آید. موزه ای که وقتی از در فلزی ورودی آن عبور کردی و در مرکز یک سالن مدور پراز سلول ایستادی، ناله های پنهان در تک به تک آجرهای آن را می توانی شنود کنی. بند ۶ چنانکه نویسنده و کارگردان آن، میلاد جباری مولانا در گفت و گو با هفته نامه «ایران جمعه» مطرح می کند، واگویی همان رازهای پنهان این زندان است. همان رازهایی که قرار است تماشاگر خود به کشف آن اقدام کند و نمایش صرفاً مسیری برای رسیدن به حقیقت فراهم سازد. این نمایش، یک اجرای عادی نیست. قرار است در بخش هایی، مخاطب چشمان خود را ببندد و در بخش هایی در راهروها و کریدورهای زندان قدم بزند. قرار است داستان را شکل دهد و خود پایان آن را رقم بزند. کارگردان نمایش بند ۶ در مورد شکل

اجرا و مشارکت تماشاگر می گوید: این ساختار در تئاتر یک روش جدید و تقریباً نویی است با عنوان تئاتر کاربردی. تئاتر کاربردی شاخه های مختلفی دارد که یکی از آنها تئاتر میراث و موزه است. تئاتر میراث به سبب اجرا شدن

در ساختار یک بنای تاریخی تلاش می کند با استفاده از مفاهیم موزه ای و با بهره گیری از فضای یک مکان تاریخی و مشارکت مخاطب در اجرای اثر به شیوه ای نوین، محتوا را ارائه داده و مخاطب را دخیل کند. به شکلی که وقتی مخاطب وارد موزه می شود در این ساختار خود را به عنوان یک زندانی می بیند.

جباری مولانا افزود: تماشاگر یک ساعت و ۱۷ دقیقه با زندگی در کریدورها و راهروها قدم می زند و تلاش می کند به واسطه مفاهیمی که ما در اختیار وی گذاشتیم و راهبرد دراماتیک پیشنهاد شده، مسیر را کشف و خود را در دل داستان پیدا کند و به واسطه پیدا کردن خود، ما داستان را هم شکل می دهیم. مخاطب، خود داستان را شروع می کند. بازیگران در خدمت تفکر مخاطب هستند و تلاش می کنند آنچه را مخاطب به آن فکری کند را در یک جریان دراماتیک خلق کنند. مخاطب در شروع، میانه و پایان داستان تأثیرگذار است. مفاهیمی که ما در دل داستان گنجانده ایم کمک می کند که مخاطب بتواند تصمیم بگیرد و مخاطبی که مشتاق باشد می تواند با استفاده از این

مفاهیم، خودش داستان را شکل دهد؛ در همان مسیری که به آن فکر می کند. مطابق اظهارات این نویسنده، این ساختار در دنیای جدید و در برخی کشورها مرسوم است که برای استفاده از معضلات شهرنشینی و شهروندی و حتی درمان یک سری از بیماری ها و قانونگذاری در شهرها از آن استفاده می کنند. در ایران، نزدیک ۱۵ سال است از این ساختار استفاده کرده ایم. با توجه به اینکه منبع تألیفی در این حوزه نداریم و منابع ما بیشتر ترجمه ای است تلاش کردیم این ساختار را بومی کرده و تجربی کنیم و بتوانیم از قبل آن آثار دیگری را خلق کنیم. بنده جزو اولین افرادی بودم که از این ساختار استفاده کردم و تلاش کردم تجربیاتم را در قالب کتابی جمع آوری کنم که امیدوارم بزودی چاپ شود.

بعد از جهنم سرد شما به بند ۶ زندان دعوتید

مجسمه ای از یک شکجه، چهره هایی درهم شکسته، میله های سرد مملو از خون، کسانی که برای آزادی در بند شده اند و مهم تر از همه، سلاخی اندیشه که چون سیلی بر صورت آدمی نواخته می شود؛ اینها بخشی از اجرایی است که در موزه عبرت تماشاگر را به خود فرا می خواند اما چرا یک مخاطب دهه ها بعد از چنین حوادثی به این فضا خوانده شود؟ کارگردان نمایش بند ۶ می گوید: تئاتر کاربردی در موزه قصر، سعدآباد و کافه های مختلف، ارگ تاریخی رادیو و ساختمان صدا و سیما و اماکن دیگر هم کار شده است. اما موزه عبرت داستان خود را دارد و مثل هر موزه و ابنیه دیگر این داستان ویژه خودش است.

جباری مولانا تصریح کرد: داستان بند ۶ فرزند خلف جهنم سرد است و در واقع ادامه آن محسوب می شود و به همین دلیل لازم بود در موزه عبرت این نمایش را اجرا کنیم. بند ۶ تلاش می کند داستانی از داستان های

